

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۶۴ - ۲۴۱

تدابیر و راهکارهای شمول و افزایش ضمانت اجرای تعهدات حقوق بشری در نسل جدید معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری

محسن عبدالهی^۱

نفیسه شاکری^۲

چکیده

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از شایعترین ابزارهای انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصاً در سالهای اخیر نقش مهمی در گسترش سرمایه‌گذاری خارجی داشته‌اند. با توجه به روند روبه‌گسترش اهمیت تعهدات حقوق بشری در سرمایه‌گذاری خارجی و فعالیتهای مربوط به آن به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۶ و با انعقاد برخی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در این راستا و هویداشدن نقش معاهدات دوجانبه نسل جدید در تبیین و تحکیم تعهدات حقوق بشری، بررسی جنبه‌های مختلف این نقش و چگونگی توسعه آن ضروری بنظر می‌رسید که در این نوشتار سعی در انجام آن شده‌است.

واژگان کلیدی

سرمایه‌گذاری خارجی، حقوق بشر، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، دیوانهای داوری سرمایه‌گذاری.

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

Email: Mo_abdollahi@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی.

Email: Shirin_shakeri@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۶

طرح مسأله

با وجود افزایش تعداد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، به تاثیر آنها بر حقوق بشر توجه کافی نشده‌است. به عنوان گامی موثر، اصول راهنمای ملل متحد در مورد تجارت و حقوق بشر که توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ تدوین شد، صراحتاً به موافقتنامه‌های بین‌المللی تجاری-سرمایه‌گذاری اشاره نموده و تصریح می‌دارند که دولتها همواره ملزم به ایفای تعهدات حقوق بشری در گستره سرمایه‌گذاری خارجی هستند و بدین منظور می‌بایست حق اتخاذ تدابیر لازم و قدرت قانونگذاری خود را محفوظ دارند. در سال ۲۰۱۴ نیز شورای مذکور قطعنامه‌ای صادر کرد مبنی بر تشکیل یک کارگروه میان‌دولتی که تهیه یک سند حقوقی بین‌المللی الزام‌آور جهت تنظیم فعالیتهای شرکت‌های فراملیتی و سایر بنگاههای اقتصادی در حوزه حقوق بشر و با توجه به این حقوق را در دستور کار خود داشت. اینکه چگونه این سند می‌تواند تعارضات موجود میان سیاستهای تجاری و سرمایه‌گذاری و حقوق بشری را تعدیل کرده و اولویت سیاستهای حقوق بشری را تضمین نماید، از مهمترین مسائل مطروحه در جلسات اول و دوم این کارگروه در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ بود.^۱

همگام با تحولات حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی، قوانین حقوق بشری نیز در سالهای اخیر تغییرات قابل توجهی داشته‌اند و بیش از پیش به مسئولیتهای اجتماعی شرکت‌های سرمایه‌گذار پرداخته‌اند. پیشتر به دلیل فقدان اجماع یا اراده بین‌المللی جهت تنظیم یک چارچوب حقوقی الزام‌آور برای تعیین تعهدات حقوق بشری این شرکتها، مباحثات مطروحه در مورد مسئولیت اجتماعی شرکتها به منزله مباحثات اخلاقی بشمار می‌آمد.^۲ ولی افزایش روبه‌قضایی دیوانهای سرمایه‌گذاری و تغییراتی در نحوه تدوین معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری بیانگر امکان ارتقاء جایگاه حقوق بشر در معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بوده‌است.^۳ دولتها نیز با انعقاد و امضاء انواع قوانین و پروتکلها سعی بر تعدیل روابط این دو حوزه داشته‌اند، هرچند که تا بحال تعداد اندکی از آنها لازم‌الاجرا شده‌اند.

با این وجود تحولات اخیر در حوزه موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری قابل تامل هستند. برخلاف اسناد تجاری و حقوق بشری فوق‌الذکر، نسل جدید موافقتنامه‌های بین‌المللی

1- Krajewski, M, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", CIDSE, March 2017

2- Leinhardt, S, "Some Thoughts on Foreign Investors' Responsibilities to Respect Human Rights", TDM 1, 2013

3- Richard, C & Luke, E, "Human Rights in International Investment Law: Where to After Urbaser?", available at: <https://humanrights.freshfields.com/post/102enaj/human-rights-in-international-investment-law-where-to-after-urbaser>

سرمایه‌گذاری شروع به تحمیل تعهدات حقوق بشری الزام‌آور و مستقیم بر شرکتها نموده‌اند. معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری انجمن توسعه آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۲،^۱ پیش‌نویس قانون سرمایه‌گذاری پان آفریقایی در سال ۲۰۱۶ و معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مراکش - نیجریه در سال ۲۰۱۶^۳ از نمونه‌های بارز این نوآوری هستند که سرمایه‌گذاران را ملزم به رعایت تعهدات سیاسی اجتماعی از جمله رعایت حقوق کار نموده و به برخی اصول حاکم بر رفتار سرمایه‌گذاران از قبیل اصول حقوق بشری اشاره کرده‌اند و حتی گاه پا فراتر گذاشته و تعهدات مستقیم حقوق بشری بر عهده سرمایه‌گذاران قرار داده‌اند. با توجه به افزایش گستره شروط حل اختلاف در معاهدات، اعمال این تعهدات در متن معاهدات سرمایه‌گذاری، امکان اقامه دعاوی مربوط به حقوق بشر علیه سرمایه‌گذاران را در صورت نقض برای دولتها فراهم می‌آورد. هرچند که شروط صلاحیت در سه معاهده نمونه فوق‌الذکر نسبتاً محدود بوده و هیچیک به دولت میزبان اجازه نمی‌دهند که در صورت نقض تعهدات از جانب سرمایه‌گذار ابتکار عمل اقامه دعوی را در اختیار گیرند و آنها صرفاً قادر به طرح دعوی در قالب دعاوی متقابل می‌باشند.^۴ تحولات یادشده، نشان از روند اصلاح در این حوزه دارند که به اشکال مختلف نمود یافته‌اند. در نوشتار پیش رو با توجه به اهمیت موضوع در صدد برآمدیم که پس از ارائه تعاریف مختصر از مفاهیم کلی، پیرامون نیل به هدف شمول و اولویت‌بخشی به حقوق بشر در معاهدات سرمایه‌گذاری، به بررسی راهکارها بپردازیم.

۱- حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی و جایگاه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری

رونق روزافزون سرمایه‌گذاری فراملی موجب توجه به حقوق حاکم بر این حوزه و توسعه این حقوق شده‌است. از جمله ابزارهای موثر در گسترش سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری یاد نمود. در این بخش پس از تعریف حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی جایگاه معاهدات مذکور را در نظام حقوق سرمایه‌گذاری بررسی می‌نماییم.

۱-۱- حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی

امروزه اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در نظام تجارت جهانی افزایش چشمگیری داشته و این افزایش روند سرمایه‌گذاری خارجی با توسعه حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی نیز همگام گردیده‌است. عبارت حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی به مجموعه اصول حقوقی حاکم بر روابط سرمایه‌گذار خارجی و دولت میزبان سرمایه‌گذاری اطلاق می‌شود و بطور کلی سه لایه حمایتی

1- SADC

2- The draft Pan-African Investment Code (PAI Code), 2016

3- The Morocco-Nigeria bilateral investment treaty, 2016

4- Briercliffe, N & Owczarek, O, "Human-rights-based Claims by States and "New-Generation" International Investment Agreements", Allen & Overy, 2018

مختلف برای آن متصور است: نخست قواعد عرفی حقوق بین‌الملل که از حقوق بیگانگان حمایت می‌کنند. اصل حداقل استانداردهای حمایت از بیگانگان، همچنان در اختلافات اخیر مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی اعمال می‌شود. پرونده دیالو، مطروحه در محضر دیوان بین‌المللی دادگستری و فیما بین جمهوری غنا و جمهوری دموکراتیک کنگو در سال ۲۰۱۰، بیانگر این مطلب است که قواعد عرفی بین‌المللی هنوز می‌توانند بستری برای ادعای حمایت دیپلماتیک علیه دول میزبان در سرمایه‌گذاری بین‌المللی باشند. دوم، ادعاهای سرمایه‌گذاران علیه دولتها می‌تواند مبتنی بر قراردادهای دولت-سرمایه‌گذار باشد که حاوی منافی برای سرمایه‌گذار خصوصی در مقابل دولت میزبان هستند. البته برای بهره‌مندی از این دست قراردادها ضروری است طرف خصوصی دارای قدرت چانه‌زنی قابل توجهی باشد. به همین علت نیز سرمایه‌گذاران کوچک، اغلب فاقد چنین ابزاری جهت کسب حمایت هستند. سوم، سرمایه‌گذاری بین‌المللی توسط موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، در قالب متداول و مرسوم معاهدات بین‌المللی فیما بین دول نیز قابل حمایت است. از زمان انعقاد نخستین معاهده دوجانبه بین‌المللی بین کشورهای آلمان و پاکستان در سال ۱۹۵۹، رشد سریعی در تعداد اینگونه معاهدات در سطح جهانی رخ داده است. امروز بیش از شش هزار موافقتنامه بین‌المللی سرمایه‌گذاری فیما بین دولتها منعقد گردیده که تقریباً در سرتاسر دنیا شبکه‌ای از استانداردهای مختلف حمایتی ایجاد نموده‌اند. بعلاوه، موافقتنامه‌های تجارت آزاد نیز حاوی استانداردهای حمایت از سرمایه‌گذاری هستند. با اینحال تا امروز تمامی تلاشها در راستای انعقاد یک موافقتنامه سرمایه‌گذاری چندجانبه جامع ناکام مانده است. احتمالاً برجسته‌ترین ابتکار در توسعه سریع حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی گنجاندن سیستم حل اختلافات دولت-سرمایه‌گذار در موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی بوده است. بدین ترتیب، به واسطه وجود شروط داوری در موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، شرکتها فرصت طرح دعوی علیه دول در محضر دیوانهای داوری مستقل را یافته‌اند. احکام صادره از این دیوانهای داوری از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار بوده، چنانکه به موجب کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک، در محاکم ملی و داخلی سرتاسر جهان لازم‌الاجرا می‌باشند. نمونه بارزی از قدرت اجرایی بالای این احکام، توقیف بوئینگ ۷۳۷ شاهزاده تایلند در فرودگاه مونیخ در جولای ۲۰۱۱ است که متعاقب حکم صادره به نفع شرکت ساختمانی ورشکسته آلمانی و علیه پادشاهی تایلند صورت گرفت.^۱

1- Klein, N, " Human Rights and International Investment Law: Investment Protection as Human Right?", Goettingen Journal of International Law, 2012

۱-۲- جایگاه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در نظام حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی

پس از نیمه اول قرن بیستم، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، مهمترین ابزار حقوقی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی بوده‌اند. بنابر نظریه موسسه اطلاعات حقوقی دانشگاه کرنل، این معاهدات "موافقتنامه‌های بین‌المللی هستند که شرایط و ضوابط سرمایه‌گذاری خصوصی توسط اشخاص و بنگاه‌های یک دولت در کشور دیگر را تبیین می‌نمایند. نسل اول این معاهدات، معاهدات دوستی، تجارت و دریانوردی بوده‌اند^۱ که تعهداتی در خصوص رفتار مشابه با کلیه سرمایه‌گذاران خارجی از دول مختلف و حتی گاه مشابه با سرمایه‌گذاران داخلی برعهده دولت سرمایه‌پذیر قرار می‌دادند. علاوه بر آن، معاهدات مزبور، شرایط تجارت و کشتیرانی و حقوق خارجی‌ان در خصوص نحوه انجام فعالیت و مالکیت اموال در دولت میزبان را نیز مقرر نموده‌اند. نسل دوم، معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه‌ای هستند که استانداردهای رفتاری لازم‌الاجرای از جمله رفتار عادلانه و منصفانه^۲، حمایت در قبال مصادره و حمایت در قبال محدودیت‌های انتقال ارز برای دول میزبان تعیین کرده‌اند که بر نحوه رفتار دولتها با سرمایه‌گذاران خارجی حاکم می‌باشد. یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری توافقی بین دو دولت است که تضمین می‌کند، سرمایه‌گذاران یک طرف، در قبال سرمایه‌گذاری در حوزه حاکمیت طرف دیگر از استانداردهای رفتاری خاصی برخوردار خواهند شد. مهمترین هدف اینگونه معاهدات، تشویق سرمایه‌گذاری بین طرفین می‌باشد که در نهایت نیز منجر به رشد اقتصادی هر دو طرف می‌گردد. با اینحال، اکثر معاهدات دوجانبه حاوی شرط حل اختلافی هستند که به موجب آن دولت اختیار یکجانبه حل اختلاف از طریق داوری را به سرمایه‌گذار اعطانموده و سرمایه‌گذار با توسل به داوری شرط مذکور را می‌پذیرد. سرمایه‌گذاران به موجب این معاهدات مدعی میلیون‌ها دلار غرامت بابت خسارات ناشی از قانونگذاری دولتها، برای مثال در مواجهه با یک وضعیت اضطراری بحران مالی یا تصویب قوانین حمایتی شده‌اند. در صورتیکه فیما بین یک دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی، معاهده دوجانبه‌ای موجود باشد و دولت میزبان تعهدات خود به موجب آن معاهده را در قبال سرمایه‌گذار نقض نماید، سرمایه‌گذار خارجی قادر خواهد بود بدون مراجعه به سیستم قضایی داخلی، مستقیماً در محضر دیوان داوری بین‌المللی علیه دولت میزبان اقامه دعوی نماید. بنابراین داوری فیما بین دو دولت طرف معاهده نبوده بلکه معاهده دوجانبه به سرمایه‌گذار اجازه می‌دهد که مستقیماً از دولت میزبان بابت نقض تعهداتش در قبال وی شکایت نماید. امروزه

1- FCNs

۲- به آن رفتار ملی گفته می‌شود و منظور اینست که دولتهای میزبان می‌بایست بطور یکسان و مشابه با بنگاههای داخلی و خارجی رفتار نمایند.

شاهد حجم قابل توجهی از اینگونه شکایات سرمایه‌گذاران هستیم.^۱

۲- جایگاه حقوق بشر در سیستم حقوق بین‌الملل و ارتباط آن با حقوق سرمایه‌گذاری

بین‌المللی

حقوق بشر به عنوان یکی از اصلی‌ترین موضوعات نظام حقوق بین‌الملل و با هدف ارتقاء حقوق بنیادین بشری، جایگاه ویژه‌ای در این نظام دارد و با سایر زیرشاخه‌های این نظام نیز مرتبط می‌باشد. در این محث علاوه بر تبیین جایگاه قواعد حقوق بشری یه رابطه آنها با قواعد حقوق سرمایه‌گذاری موردبررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- جایگاه حقوق بشر در سیستم حقوق بین‌الملل

قواعد حقوق بشر بین‌الملل به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل باهدف ارتقاء حقوق بشر در کلیه سطوح اجتماعی، منطقه‌ای و داخلی طراحی و تدوین شده‌اند. قواعد مذکور عمدتاً در قالب معاهدات منعقدۀ فیما بین دول و به منظور ایجاد اثر حقوقی لازم‌الاجرا برای آن دول و نیز در قالب حقوق عرفی بین‌المللی شکل یافته‌اند. سایر قالبهای حقوق بشر بین‌المللی اگرچه فاقد قدرت الزام‌آور حقوقی می‌باشند، به فهم، اجرا و توسعه قواعد حقوق بشر بین‌الملل کمک‌نموده و منبعی برای تعهدات سیاسی محسوب می‌گردند.

اساساً کلیه منابع حقوق بین‌الملل حائز جایگاه و اولویت مشابه هستند. برخلاف سیستمهای حقوق داخلی که بر مبنای سلسله‌مراتب تنظیم‌شده و قوانین اساسی آنها بر قوانین عادی اولویت دارند، در نظام حقوق بین‌الملل چنین سلسله‌مراتب صریحی وجود ندارد. تنها دو مورد استثناء بر تساوی جایگاه قوانین بین‌المللی متصور است که توسط عموم جامعه حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته‌است: نخست قواعد آمره حقوق بین‌الملل^۲ و دوم منشور ملل متحد که برطبق ماده ۱۰۳، ادعای برتری آن نسبت به سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی مطرح شده‌است. مضافاً اینکه برخی مفسران اظهار داشته‌اند، قواعدی که بیانگر اصول و ارزشهای جهانی مهم و اساسی هستند نیز باید نسبت به قواعد صرفاً ناشی از روابط دوجانبه در جایگاه بالاتری قرار گیرند. حال این سوال مطرح می‌گردد که با توجه به اینکه صرفاً تعداد محدودی از قواعد حقوق بشری همچون منع شکنجه و منع برده‌داری قواعد آمره بشمار می‌آیند و قطعاً می‌بایستی نسبت به قواعد مربوط به تجارت و سرمایه‌گذاری اولی‌تر باشند، آیا در خصوص سایر قواعد حقوق بشری نیز می‌توان چنین جایگاهی متصور شد و در کل بنابر دکترین اخیر حقوق بین‌الملل، قوانین حقوق بشر را در مقایسه با

1- Gabrisa, H, "The Fate of International Human Rights Norms in the Realm of Bilateral Investment Treaties (BITs): Has Humanity Become a Collateral Damage?", The International Lawyer, 2014

2- Peremptory norms of public international law, JusCogens

قوانین سرمایه‌گذاری مرجح دانست. در مورد ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، می‌توان گفت اگرچه منشور شامل اشارات و ارجاعاتی به حقوق بشر است لیکن حاوی تمامی موارد آن نبوده و تعهد الزام‌آوری در مورد این حقوق نیز نظیر آنچه در معاهدات حقوق بشری وجود دارد در منشور به چشم نمی‌خورد. از منظر سیاست حقوقی، برخی مباحثات و استدلال‌ات موجه و منطقی در مورد برتری و اولویت حقوق بشر بر موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری وجود دارد. باین‌وجود رویه صریح و منسجمی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که قائل بر وجود سلسله مراتب میان حقوق بشر و موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری باشد. در این زمینه، دادگاه آمریکایی حقوق بشر^۱ عنوان داشت که تعهدات یک دولت بر طبق معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری توجیه‌کننده نقض حقوق بشر توسط آن دولت نیست. نظریه این دادگاه بیانگر یک اصل کلی حقوق بین‌الملل است که دولت‌ها را ملزم می‌دارد کلیه تعهدات معاهداتی خود را بدون ارجحیت‌دادن به تعهدی خاص ایفانمایند. باینکه حکم دادگاه موید این مطلب است که قواعد سرمایه‌گذاری بر قواعد حقوق بشری تفوقی ندارند، قائل به جایگاه بالاتری برای حقوق بشر نیز در مقایسه با آن قواعد نمی‌گردد. عموماً دیوانه‌های سرمایه‌گذاری به شیوه مشابه استدلال نموده و رعایت حقوق بشر را دستاویز و توجیه قابل‌قبولی برای نقض مفاد معاهدات سرمایه‌گذاری نمی‌دانند. اگرچه این بدان معنا نیست که چنین سلسله مراتبی در موافقتنامه‌های بین‌المللی از جمله معاهدات تجاری و حقوق بشری قابل‌ترسیم نباشد. در واقع، شمول قواعدی که به صراحت نشانگر اولویت حقوق بشر بر قواعد سرمایه‌گذاری باشد، موضوعی قابل بحث و تأمل می‌باشد.^۲

۲-۲- ارتباط حقوق بشر با سرمایه‌گذاری خارجی

قوانین حقوق بشر و قوانین سرمایه‌گذاری بین‌المللی به عنوان دو موضوع منفک تدوین و توسعه یافته‌اند. با این وجود و علیرغم وجود تمایل به انفکاک، این دو موضوع حقوق بین‌الملل کاملاً منفک و مستقل از یکدیگر نیستند. آنها هم هدف مشترک و مشابهی دارند که همانا حمایت از حق بر دارایی است که یکی از انواع حقوق بشر می‌باشد و هم از نظر افرادی که شاکله آنها را می‌سازند، همسان و مشابه هستند.^۳ حقوق بشر این پتانسیل را دارد که در هر موقعیت خاص یکی از طرفین را تحت حمایت قرار دهد، بدین معنا که گاه می‌تواند به نفع سرمایه‌گذار عمل کرده و گاه در مواردی که عملکرد سرمایه‌گذاری، حقوق بشری اتباع دولت میزبان را

1- IACHR

2- Krajewski, M, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", CIDSE, 2017

3- Yannick, R, "The 'Human Nature of International Investment Law'", TDM, 2013, available at: <https://www.transnational-dispute-management.com/article.asp?key=1928>

تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، به ضرر سرمایه‌گذار و در راستای نفع دولت میزبان موضع‌گیری نماید.^۱ معاهدات سرمایه‌گذاری حاوی حقوقی از جمله حق جبران خسارت در قبال مصادره، برخورداری از رفتار منصفانه و عادلانه، برخورداری از امنیت جسمی و رفتار غیر تبعیض‌آمیز به نفع سرمایه‌گذار در مقابل دولت میزبان هستند. از سوی دیگر حقوق بشر، متشکل از حقوقی است که افراد بشر را در قبال تجاوز دولتها مورد حمایت قرار می‌دهد.^۲ همچنین با توجه به پیشینه مشترک این دو موضوع در حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص رفتار با بیگانگان نیز، فرض ناهمخوانی یا انفکاک آنها غیر منطقی به نظر می‌رسد. در واقع بسیاری از مواد معاهدات حقوق بشری که به صراحت حمایت از حق بر دارایی را بیان می‌کنند، از نظر شرایط، مشابه اصول و استانداردهای حقوق بین‌الملل عرفی هستند. وجود چنین تشابهی بدین معناست که رویه قانونی موجود در هر یک از موضوعات حقوق در موضوع دیگر کارایی داشته و حتی در مواردی کاملاً یکسان و مشترک می‌باشد.^۳

البته نمی‌توان منکر شد که حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی و حقوق بشر از بعضی جنبه‌ها متفاوت هستند با اینحال تفاوتها و گاه تعارضات موجود بین آنها بایستی از طریق تفسیر قواعد مرتبط حل گردد. بنابر ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین^۴، معاهدات حقوق بشری را می‌توان به منزله بستر و زمینه گسترده معاهدات تجاری-سرمایه‌گذاری تصور نمود. اگرچه ممکن است این شیوه در عمل با محدودیت مواجه شود، چرا که اولاً قواعد مرتبط بایستی قابل تفسیر باشند. برای مثال استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه موجود در یک موافقتنامه سرمایه‌گذاری، دامنه تفسیر وسیعی داشته و به همین خاطر هم می‌تواند به گونه‌ای هم‌راستا و منطبق با وظیفه دولت در حمایت از حقوق بشر تفسیر گردد. برعکس، منع صریح افزایش تعرفه‌ها از سطح معین در یک موافقتنامه تجاری، نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر گردد که تعرفه‌ها در جهت ایفای وظیفه حمایت از حقوق بشر افزایش یابند؛ چرا که نوع بیان و دامنه تفسیر منع افزایش تعرفه‌ها این قابلیت و گستردگی را ندارد. دوماً، حتی اگر در موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری از شرایط و عباراتی با قابلیت تفسیر گسترده از منظر حقوق بشری استفاده شود، حل تعارضات از طریق تفسیر

1- Kriebaum, U, "Aligning Human Rights and Investment Protection Foreign Investments & Human Rights - The Actors and Their Different Roles", TDM, 2013, available at: <https://www.transnational-dispute-management.com/article.asp?key=1928>

2- Klein, N, "Human Rights and International Investment Law: Investment Protection as Human Right?", Goettingen Journal of International Law, 2012

3- Nelson, T, "Human Rights Law and BIT Protection: Areas of Convergence", The Journal of World Investment & Trade, TDM 1, 2013, available at: <https://www.transnational-dispute-management.com/article.asp?key=1928>

4- The Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969, Article 31 para 2

بایستی توسط ارگانهای با صلاحیت و مهارت در هر دو نظام حقوق بین الملل صورت پذیرد که معمولاً این مسئله در خصوص دیوانهای داوری سرمایه گذاری مصداق ندارد.

چنانچه موافقتنامه‌های سرمایه گذاری بدون توجه به حقوق بشر تفسیر گردند، دولت‌ها با تعهدات بین المللی متعارض مواجه خواهند شد که معمولاً آنها را به سمت تبعیت از قواعد نظام سرمایه گذاری سوق می دهد چرا که قواعد مزبور اغلب مجهز به مکانیسمهای حل اختلاف موثری هستند که احکام و غرامات سنگینی بر دولت‌ها تحمیل می نمایند. در سمت دیگر، اجرای احکام و تصمیمات کمیته‌ها و دادگاههای حقوق بشری جز در موارد استثنائی همچون دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر، نسبتاً دارای ضعف می باشند.^۱

با عنایت به مطالب مذکور می توان دریافت که اگرچه این دو موضوع حقوق بین الملل در سطح شکلی ویژگیهای متناقضی دارند، برخی استانداردهای ماهوی حقوق سرمایه گذاری مفاهیم حقوق بشری داشته و برخی دیگر نیز در ساختار واجد جنبه‌های حقوق بشری هستند. بعنوان یک نتیجه حقوقی، حقوق سرمایه گذاری بین المللی در آینده مستقل از حقوق بشر شناخته نخواهد شد و برای تسریع در نیل به این منظور داوران می بایست به تمام قواعد حقوق بشری موثر در حل اختلافات سرمایه گذاری که در نزد آنها مطرح می گردد، توجه کافی مبذول دارند.^۲

۳- چگونگی تبیین و تحکیم تعهدات حقوق بشری در نسل جدید معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری

معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری لااقل تا همین سالهای اخیر نامتقارن بوده اند. سرمایه گذاران خارجی از حقوق ماهوی مختلفی به موجب این معاهدات برخوردار می گشتند بدون اینکه عهده دار تعهدات جدی شوند. با توسعه سرمایه گذاری خارجی و افزایش تمایل به استفاده از معاهدات دوجانبه در این زمینه، ایجاد تعادل و برقراری تنظیمات مجدد در ساختار رابطه دو نظام حقوق سرمایه گذاری بین المللی و حقوق بشر بین المللی و کاستن از میزان امتیازات سرمایه گذاران و افزودن بر تعهدات حقوق بشری ایشان ضرورت یافته و راهکارهایی برای آن ارائه گردید. در این بخش مهمترین این راهکارها و تاثیر آنها بر بهبود عملکرد معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۱- مذاکره و نحوه تدوین

یکی از مهمترین گزینه‌هایی که دولت‌ها بتوانند تعهدات اساسی حقوق بشری و سایر تعهدات

1- Krajewski, Markus, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", CIDSE, 2017

2- Klein, N, "Human Rights and International Investment Law: Investment Protection as Human Right?", Goettingen Journal of International Law, 2012

موردنظر خود را در معاهده دوجانبه لحاظ‌نمایند، مذاکرات معاهده است. اصول راهنمای ملل متحد دولت‌ها را دعوت به مذاکره و انعقاد موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری می‌نماید که محدودیت‌های غیرمنطقی بر قدرت تصمیم‌گیری و دامنه سیاستگذاری آنها در احترام، حمایت و اجرای حقوق بشر تحمیل نکنند. بالینحال اصول راهنمای مزبور غیرالزام‌آور بوده و تاکنون دولت‌ها تغییر اساسی در رویه عملی خود در این خصوص ایجاد نکرده‌اند و برای مثال موافقتنامه جامع اقتصادی تجاری فیما بین کانادا و اتحادیه اروپا^۱ دارای هیچگونه شرطی در راستای تحقق و اجرای اصول راهنمای ملل متحد نبوده و اکثر قواعد آن از مدل کلاسیک تبعیت می‌کنند. لذا چنین بنظر می‌رسد که رویکرد داوطلبانه اصول راهنما جهت تضمین اینکه دولت‌ها در مذاکرات مربوط به موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری حقوق بشر را در اولویت قرار دهند، کافی نمی‌باشد. نتیجتاً تدوین معاهدات الزام‌آور در این زمینه به نظر ضروری است که دولت‌ها به موجب آنها متعهد گردند در زمان مذاکره جهت انعقاد موافقتنامه‌های جدید سرمایه‌گذاری با تبیین دقیق روابط بین حقوق بشر و حقوق سرمایه‌گذاری، اولویت حقوق بشر را تضمین نمایند.^۲

اشاره به تعهدات حقوق بشری سرمایه‌گذاران در مقدمه معاهدات دوجانبه نیز بدون شک حائز تاثیر مثبت است. اما برای حصول بیشترین تاثیر و کارایی باید دید که آیا این قسمت حائز ظرفیت کافی هست یا خیر. مقدمه یکی از مهمترین بخش‌های یک معاهده دوجانبه بوده و می‌تواند در راستای تبیین و تاکید بر اهداف و مقاصد معاهده اثرگذار باشد. با اینحال از آنجا که مقدمه معاهدات بخش مختصر و کوتاهی از آنها را تشکیل می‌دهد و بالتبع اشاره به موضوعات مختلف نیز باید در این قسمت بسیار موجز باشد، صرفاً چنین اشاره مختصری به حقوق بشر در مقدمه معاهده، تعهد اساسی برای سرمایه‌گذاران ایجاد نمی‌کند. شیوه موثرتر در جهت اشاره صریح و مفصل به تعهدات حقوق بشری سرمایه‌گذاران، شمول این تعهدات در متن معاهدات دوجانبه و در قالب شروط الزام‌آور است.

موضوع قابل ملاحظه دیگر در این خصوص زبان و ادبیات تدوین معاهده است. تجربیات گذشته نشان داده‌است که صرفاً تشویق و تهییج سرمایه‌گذاران به ایفای تعهدات، موثر نبوده و در آینده نیز بعید بنظر می‌رسد که این شیوه موثر واقع گردد. بنابراین لازم است که قواعد حقوق بشری به صورت تعهدات حقوقی الزام‌آور و با زبان و شیوه بیان اینگونه تعهدات در قالب معاهدات دوجانبه مطرح گردند تا بتوانند سرمایه‌گذاران را ملزم به ایفای تعهدات موردنظر نمایند. همچنین برای تاثیرگذاری بیشتر، معاهده بایستی حاوی مکانیسمی جهت ضمانت اجرای تعهدات

1- CETA

2- Krajewski, M, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", CIDSE, 2017

حقوق بشری توسط سرمایه‌گذاران باشد که در صورت عدم ایفاء تعهدات پیامدهای عملی ملموس و موثری را بر آنها تحمیل نماید.^۱

۳-۲- شروط معاهده

به عنوان پیش‌زمینه جهت شمول تعهدات حقوق بشری در معاهدات و تضمین اولویت حقوق بشر، رابطه بین موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری و حقوق بشری بایستی در متن معاهده از طریق یک شرط خاص مبنی بر اولویت حقوق بشر یا از طریق گنجاندن الزاماتی که رعایت حقوق بشر را در اختلافات تجاری-سرمایه‌گذاری تضمین نماید و نیز از طریق ایجاد تعهدات و شروط حقوق بشری در موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری آتی تنظیم و تعدیل گردد. همچنین به موجب مفاد معاهده دولتها باید ملزم به ارزیابی تاثیر اجرای حقوق بشر قبل، در حین و در پایان مذاکرات یک معاهده تجاری و سرمایه‌گذاری جدید و بررسی دوره‌ای تاثیر چنین معاهده‌ای بر حقوق بشر شوند.^۲

حمایت از سرمایه‌گذار به موجب یک معاهده دوجانبه می‌بایست بر رعایت تعهدات حقوق بشری (و سایر تعهدات غیرسرمایه‌گذاری) توسط وی مشروط گردد که اصل پاکدستی نام دارد. طرفین معاهده در محدود و مشروط نمودن ابراز رضایت خود به داوری اختلافاتی با ویژگیهای خاص، آزاد و مختارند. بنابراین هیچ‌چیز نمی‌تواند مانع از این شود که برخورداری از حمایت‌های اساسی را برای سرمایه‌گذاران منحصر و مشروط به رعایت تعهدات حقوق بشری بنیادین از جانب آنها سازند. این راهکار تحت عنوان شرط "منع از برخورداری" قابل شمول در معاهده می‌باشد.

شرط حل اختلافات دولت-سرمایه‌گذار در معاهدات سرمایه‌گذاری نیز باید حاکی از این باشد که چگونه تعهدات حقوق بشری مقرر برای سرمایه‌گذاران خارجی، در محضر دیوانهای داوری لازم‌الاجرا خواهند بود. شرط مذکور باید به صراحت عنوان دارد که دیوانهای داوری در مورد ادعاهای ناشی از نقض حقوق بشر توسط سرمایه‌گذاران صلاحیت دارند. حداقل سه شیوه مختلف برای لازم‌الاجرا نمودن شروط حل اختلافات دولت-سرمایه‌گذار در معاهدات سرمایه‌گذاری وجود دارد:

- 1- Dumberry, P & Dumas A, "How to Incorporate Human Rights Obligations in Bilateral Investment Treaties?", International Institute for Sustainable Development, IISD, 2013, available at: <https://www.iisd.org/itn/2013/03/22/how-to-incorporate-human-rights-obligations-in-bilateral-investment-treaties/>
- 2- Krajewski, M, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", CIDSE, 2017

نخست، چنانچه دیوانی به این نتیجه برسد که یک سرمایه‌گذار علی‌رغم تعهدات خود به موجب معاهده دوجانبه، مرتکب نقض حقوق بشری شده‌است می‌تواند دعوی سرمایه‌گذار را رد نماید.

دوم، با وجود نقض حقوق بشر توسط سرمایه‌گذار دعوی وی را بپذیرد ولی به دولت خواننده نیز اجازه اقامه چنین دعاها و برخورداری از روند رسیدگی داوری را بدهد که از آن بعنوان گزینه "جبران خسارت" یا "کاهش" یاد می‌شود. بدین ترتیب دیوان می‌بایست به هنگام تصمیم‌گیری در مورد حقایق و مدارک یک دعوا اینگونه دعاوی را نیز در نظر گرفته و در ارزیابی غرامات مورد ادعای سرمایه‌گذار نیز موثر بداند

سوم، امکان وجود گزینه دعوی متقابل است که با شیوه دوم متفاوت می‌باشد. بر طبق این شیوه سرمایه‌گذار خواهان، حتی در صورت نقض حقوق بشر مجاز به اقامه دعوی است ولی دولت میزبان نیز قادر به اقامه دعوی حقوق بشری در قالب دعوی متقابل می‌باشد. امکان اقامه دعوی متقابل توسط دولت میزبان می‌بایست صراحتاً در شرط حل اختلاف دولت-سرمایه‌گذار معاهدات دوجانبه ذکر شود.^۱

گزینه بعدی، گنجاندن شرط کلی "حق بر قانونگذاری" است. برای مثال بر طبق بنده ۹ ماده یک موافقتنامه جامع اقتصادی و تجاری ستا، طرفین "حق بر قانونگذاری در سرزمین خود جهت دستیابی به اهداف سیاسی مشروع همچون حمایت از بهداشت عمومی، ایمنی، محیط‌زیست، نظم عمومی، حمایت از مصرف‌کننده یا ارتقاء و حمایت از تنوع فرهنگی" را مورد تاکید قرار داده‌اند. شروط "حق بر قانونگذاری" مبتنی بر این فرض هستند که موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری محدوده قانونگذاری دولتها در راستای ایفای تعهدات حقوق بشری آنها را محدود می‌سازند. با اینحال غالباً شروط مذکور بی‌اثر هستند؛ چراکه معمولاً تعهد حقوقی یا حقی را نمی‌افزایند و صرفاً ابزار تفسیری هستند. به بیان دیگر، این شروط قواعد ماهوی یک موافقتنامه تجاری-سرمایه‌گذاری را تغییر نمی‌دهند. بنابراین و با توجه به اینکه با مشکلات اساسی موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری سرو کار دارند، ارزش آنها محدود است. قالب و بیان این شروط نیز اغلب مبهم و نامشخص بوده و نظر به صراحت محدود آنها جای بحث و تفسیر بسیار دارند. برای مثال برخی از اینگونه شروط بیان می‌دارند که موافقتنامه بر حق قانونگذاری طرفین اثر نخواهد گذاشت. این طرز بیان با هیچیک از قالبهای استاندارد در شروط

1- Dumberry, P & Dumas A, "How to Incorporate Human Rights Obligations in Bilateral Investment Treaties?", International Institute for Sustainable Development, IISD, 2013, available at: <https://www.iisd.org/itn/2013/03/22/how-to-incorporate-human-rights-obligations-in-bilateral-investment-treaties/>

توجیه کلی همچون ماده ۲۰ گات یا ماده ۱۴ موافقتنامه عمومی خدمات تجاری^۱ و قالبهای مورد استفاده جهت مستثنی نمودن حوزه‌های مختلف همخوانی ندارد. با وجود اینکه عبارت " اثرگذار نخواهد بود" به نظر حاکی از یک تعهد الزام‌آور است ولی مضمون حقوقی صریحی نداشته و صرفاً در سطح توصیه عمل می‌کند. همچنین اکثر شروط "حق بر قانونگذاری" موجود، شامل تعهدات حقوق بشری یا اجرای اصول راهنمای ملل متحد در مورد تجارت و حقوق بشر به عنوان بخشی از "حق بر قانونگذاری" نمی‌باشند که همین امر نیز موجب می‌گردد این شروط از منظر حقوق بشری "تعهد به قانونگذاری" محسوب نگردند. ضمناً از آنجا که ارگانهای حل اختلاف موافقتنامه‌های تجاری- سرمایه‌گذاری اعتقادی به محدود نمودن حق بر قانونگذاری اینگونه موافقتنامه‌ها ندارند، غالباً به شروط وارده بر آنها نیز توجه کافی مبذول نمی‌دارند. این موضوع نشان می‌دهد که چنانچه قواعد و تعهدات موافقتنامه‌های تجاری- سرمایه‌گذاری تغییر نمایند، هرگونه اشاره به "حق بر قانونگذاری" بی‌فایده خواهد بود.^۲

۳-۳- سیستم حل اختلاف

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، نوعاً سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازند که بدون نیاز به وجود یک موافقتنامه داوری سنتی در قرارداد تجاری پایه، اختلافات سرمایه‌گذاری خود با دولت میزبان را از طریق ارجاع به داوری حل و فصل نمایند. این دستاورد محصول الزام دولت میزبان به گنجاندن یک امتیاز بی قید و شرط در معاهده دوجانبه مبنی بر پذیرش داوری با هر سرمایه‌گذار خارجی است که موضوع آن معاهده قرار گیرد. در صورتیکه یک سرمایه‌گذار مایل به آغاز داوری باشد، برای ایجاد موافقتنامه داوری الزام‌آور با دولت میزبان، صرفاً می‌بایست امتیاز موجود در معاهده را بپذیرد.^۳

امروزه موضع‌گیری در برابر سیستم جهانی حمایت از سرمایه‌گذاری به گونه‌ای که در معاهدات دوجانبه موجود در سرتاسر جهان نمود یافته، متداول و شایع گشته است. منتقدان معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری غالباً منتقد داوری دولت-سرمایه‌گذار هستند و ادعای نمایند که شناسایی حقوق سرمایه‌گذاران خارجی توسط دولت میزبان در تعارض با حقوق بشر در کشور آنهاست. از منظر حقوقی برخی از این انتقادات قابل توجه هستند. در واقع مجموعه امتیازاتی از

1- The General Agreement on Trade in Services (GATS) is a treaty of the World Trade Organization (WTO) that entered into force in January 1995 as a result of the Uruguay Round negotiations.

2- Krajewski, M, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", CIDSE, 2017

3- Gaffney, J, "Could BITs and BATs be combined to ensure access to human rights remedies?", Columbia FDI Perspectives, 2018

قبیل جبران خسارت در قبال مصادره، رفتار عادلانه با سرمایه‌گذار، تامین امنیت جانی و عدم تبعیض که دولتهای میزبان به موجب معاهدات سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاران خارجی اعطای می‌کنند و در قبال آنها بدون هیچ‌گونه قید و شرط متعهد به تامین این امتیازات می‌شوند، حداقل در سالهای اخیر قابل‌پذیرش نمی‌باشد. مضافاً اینکه امروزه دیگر هیچ دیوان یا دادگاه بین‌المللی نیز قبول ندارد که این مجموعه حقوق اعطایی بر حقوق بشری اتباع دولت میزبان تفوق داشته باشند. بالعکس، اخیراً یکی از دیوانهای ایکسید اظهار داشته که تعهدات حقوق بشری دولت میزبان و تعهدات آن بر طبق معاهده سرمایه‌گذاری با هم متعارض و نامتجانس نبوده و دولتها می‌بایست هر دو نوع از تعهدات را رعایت نمایند.^۱

ارگانهای حل اختلاف نظامهای تجاری-سرمایه‌گذاری همچون پانلها و ارگانهای استیناف سازمان تجارت جهانی یا دیوانهای داوری مقرر در معاهدات سرمایه‌گذاری معمولاً در مورد شمول تعهدات حقوق بشری با مشکلاتی مواجه هستند. از آنجاکه تفسیر برعهده نهادهای حل اختلاف هر نظام قرارداد، حتی در صورتیکه موضوعات حقوق بشری در محضر دیوان داوری سرمایه‌گذاری یا پانلها و ارگانهای استیناف سازمان تجارت جهانی نیز مطرح گردد، این سوال مطرح می‌گردد که آیا اعضای این نهادها دانش و مهارت کافی جهت بررسی دقیق موضوعات حقوق بشری دارند. حتی اگر طرفین اختلاف سرمایه‌گذاری قادر به انتخاب کارشناسان حقوق بشری به عنوان داور باشند و بدین ترتیب بتوانند وجود مهارت در پانل را تضمین نمایند، این اتفاق بندرت به وقوع می‌پیوندد. در واقع قواعد گزینش اعضای پانلها یا داوران در موافقتنامه‌های تجاری-سرمایه‌گذاری، کارشناسان تجارت و سرمایه‌گذاری را در اولویت انتخاب قرار می‌دهند. برای مثال بند ۳ ماده ۱۷ تفاهم‌نامه حل اختلاف سازمان تجارت جهانی بیان می‌دارد که اعضای ارگان استیناف باید "افراد شناخته‌شده و دارای اعتبار، حائز دانش و مهارت در علم حقوق، تجارت بین‌الملل و در کل واقف بر موافقتنامه‌های مرتبط با این حوزه باشند."

بر طبق بند ۲۴ ماده ۸ موافقتنامه جامع اقتصادی و تجاری منعقد فیما بین کانادا و اتحادیه اروپا، اعضای دادگاه سرمایه‌گذاری این موافقتنامه نیز می‌بایست واجد "دانش و آگاهی کافی در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی" باشند. درحقیقت این شرط بدان معناست که دانش و مهارت داوران به‌طور خاص در حوزه‌های حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، حقوق تجارت بین‌الملل و حل اختلافات ناشی از موافقتنامه‌های تجارت بین‌الملل یا سرمایه‌گذاری بین‌المللی مدنظر بوده و آگاهی از مضامین حقوق بشری مورد توجه و تاکید واقع نشده است.

1- Nelson, T, "Human Rights Law and BIT Protection: Areas of Convergence", The Journal of World Investment & Trade, TDM 1, 2013, available at: <https://www.transnational-dispute-management.com/article.asp?key=1928>

در بین پیشنهادات و نظریاتی که در راستای بهبود عملکرد مکانیسم‌های حل اختلاف ارائه شده پیشنهاد شمول صریح تعهدات سرمایه‌گذاران در موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری، بیش از همه قابل توجه است، اگرچه تحمیل مستقیم تعهدات الزام‌آور بر سرمایه‌گذاران دست‌نیافتنی‌ترین شیوه ممکن است. معمولاً شیوه اعمال تعهدات بطور غیرمستقیم است؛ مثلاً یک معاهده سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار را ملزم به رعایت تعهدات حقوق بشری چنانکه در اصول راهنمای ملل متحد آمده می‌نماید یا می‌تواند سرمایه‌گذار خارجی را به رعایت حقوق اساسی کار یا برخی اصول زیست‌محیطی الزام کند. در مقابل شیوه ساده‌تر در این راستا، منع دسترسی به مکانیسم حل اختلاف برای سرمایه‌گذارانی است که به هر نحو مستقیم یا غیرمستقیم حقوق بشر را نقض می‌کنند. راهکار مذکور چنانکه در مبحث پیشین اشاره شد، در قالب شرط "منع از برخورداری" قابل شمول در معاهدات می‌باشد؛ شرطی که به یک طرف اجازه می‌دهد، در صورت تخلف سرمایه‌گذاران از برخی استانداردها و اصول، دسترسی و برخورداری آنها از منافع معاهده سرمایه‌گذاری را مانع شوند. در اصل، پاکدستی سرمایه‌گذار پیش شرط صلاحیت دیوان یا دادگاه سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد. برخلاف تعهدات مستقیم، اینگونه شروط همه سرمایه‌گذاران را ملزم به تبعیت از اصول و استانداردهای مذکور نمی‌کند بلکه مشوق و محرکی در جهت برخورداری از مکانیسم حل اختلافات می‌باشد.

یکی دیگر از شیوه‌های پیشنهادی، اعطای حق مشارکت به قربانیان تخلف از حقوق بشر یا حامیان و نمایندگان آنهاست. بعیدترین ایده در این خصوص حق مستقیم اقامه دعوی علیه سرمایه‌گذاران است با این حال چنانکه لاقلاً گروه‌های مدنی یا نهادهای حامی قربانیان بتوانند از حق مشارکت و حضور در روند حل اختلاف سرمایه‌گذاری به عنوان ثالث برخوردار شوند، گام موثری در جهت اصلاح عملکرد سیستم‌های حل اختلاف خواهد بود.^۱

۳-۴- ارجاع به اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا

در ادامه موضوع این بخش پیرامون اینکه چگونه میتوان تعهدات حقوق بشری را تحت شمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری قرارداد و پس از بررسی گزینه‌های مختلف پیش‌روی طرفین معاهده همچون مذاکرات و نحوه تدوین و ... که هر یک دارای محاسن و نیز کاستی‌هایی بود، بنظر می‌رسد یکی از صریح‌ترین و موثرترین راهکارهای موجود برای نیل به هدف مزبور، اشاره به اسناد لازم‌الاجرا و شناسایی شده بین‌المللی و متعهد نمودن طرفین معاهده به آنها باشد. از جمله مهمترین این اسناد نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1- Krajewski, M, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", CIDSE, March 2017

- ۱- بیانیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸^۱
 - ۲- پیمان بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی ملل متحد ۱۹۶۶^۲
 - ۳- اعلامیه سازمان بین‌المللی کار در مورد حقوق و اصول مربوط به کار ۱۹۸۸^۳
 - ۴- کنوانسیون مقابله با فساد ملل متحد ۲۰۰۳^۴
 - ۵- اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲^۵
- نخستین دلیل انتخاب این اسناد خاص اینست که این اسناد توسط تعداد قابل توجهی از کشورها مورد تأیید و یا تصویب قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب متقاعد نمودن کشورها به گنجاندن تعهدات حقوق بشری که اصول آنها در این اسناد متعارض نبوده و مورد پذیرش و حمایت اکثریت کشورها می‌باشد، کار سهل‌تری است. در واقع محتوای برخی از این اسناد به منزله حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود. دلیل دوم انتخاب این اسناد، اینست که آنها هم‌اکنون نیز به عنوان اصول راهنمای عملکرد در مراودات تجاری خارجی مورد پذیرش جمع کثیری از بنگاه‌های تجاری هستند. چنانچه "پیمان جهانی ملل متحد"^۶ به عنوان یک دستورالعمل غیرالزام‌آور با مشارکت حدود ۸۷۰۰ بنگاه اقتصادی و سایر اعضا از بیش از ۱۳۰ کشور، اعضاء خود را متعهد به رعایت ده (۱۰) اصل جهانی موجود در اسناد پنجگانه فوق‌الذکر نموده‌است. این ده اصل همچنین به موجب یکی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰، مورد پذیرش تعداد قابل توجهی از کشورها واقع شده‌است. بنابراین کشورها با علم به اینکه بطور بالقوه مورد حمایت جامعه اقتصادی قرار دارند، در تحمیل تعهدات بین‌المللی بر بنگاهها و سرمایه‌گذاران خارجی با آزادی عمل بیشتری اقدام می‌کنند.
- پنج سند بین‌المللی فوق‌الذکر تنها اسناد قابل ارجاع در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری نیستند. برای مثال به اسناد حقوق نرم نیز که توسط کشورها تدوین شده‌اند، همچون اعلامیه سه‌جانبه سازمان بین‌المللی کار در مورد اصول مربوط به بنگاه‌های چندملیتی^۷ یا دستورالعمل

-
- 1- Universal Declaration of Human Rights (1948)
 - 2- United Nations International Covenant on Civil and Political Rights (1966)
 - 3- ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work (1998)
 - 4- United Nations Convention Against Corruption (2003)
 - 5- Rio Declaration on Environment and Development (1992)
 - 6- UN Global Pact, a voluntary initiative based on CEO commitments to implement universal sustainability principles and to take steps to support UN goals, was adopted by then UN Secretary-General Kofi Annan on 12 August 2005, available at: <https://www.unglobalcompact.org/>
 - 7- ILO Tripartite Declaration of Principles Concerning Multinational Enterprises, available at: https://www.ilo.org/empent/Publications/WCMS_094386/lang--en/index.htm

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ برای بنگاههای چندملیتی^۲ می‌توان ارجاع نمود. تنها مشکل قابل توجه ارجاع به این اسناد، ماهیت غیرالزام‌آور آنهاست. با وجود اینکه در اصل اسناد حقوق نرم حاوی برخی اصول هستند که در سایر معاهدات بین‌المللی الزام‌آور نیز وجود دارند، ولی برخی از آن اصول هیچگونه تعهدی بر هیچیک از طرفین لحاظ نموده و بنظر بعید نیز می‌رسد که کشورها مایل به تبدیل این اسناد به اسناد حقوق سخت، از طریق شمول آنها در معاهدات دوجانبه باشند.^۳

۴- نقش دول میزبان در تبیین و تحکیم تعهدات حقوق بشری در نسل جدید معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری

اصول راهنمای ملل متحد در مورد تجارت و حقوق بشر دولتها را ملزم می‌دارد تا در صورت بروز تخلفات حقوق بشری در حین فعالیتهای اقتصادی، دسترسی قربانیان آسیب دیده از تخلف در آن منطقه را از طرق قضایی، اداری، قانونگذاری و یا به‌هر نحو دیگر به راهکارهای موثر تضمین نمایند. اصول راهنما بر مبنای یک چارچوب سیاسی قدیمی‌تر بنا گردیده که متشکل از ستونهای زیر می‌باشد:

الف- کشورها ملزم به حمایت از حقوق بشر از جمله در برابر نقضهای تجاری هستند.

ب- بنگاههای تجاری موظف به رعایت حقوق بشر هستند.

ج- قربانیان نقض های حقوق بشری مربوط به فعالیتهای تجاری باید به راهکارهای موثر دسترسی داشته‌باشند.

با وجود اینکه کشورها و بنگاههای تجاری پیشرفتهایی در راستای اجرای اصول راهنما داشته‌اند، قربانیان نقضهای حقوق بشری همچنان در دسترسی به راهکارهای موثر با موانع جدی مواجه هستند. استثنای قابل توجه در این مورد، توافقنامه آتش‌سوزی و ایمنی ساختمان بنگلادش^۴ در ماه می ۲۰۱۳ بوده‌است؛ توافقی میان برندهای جهانی و اتحادیه تجاری که برندها را ملزم داشته در صورت هرگونه نقض توافقنامه، ابزارهای لازم جهت جبران خسارت را فراهم‌سازند. در سال ۲۰۱۶ دو اتحادیه کار به‌موجب داوری پیش‌بینی شده در توافقنامه، علیه دو برند جهانی مد

1- The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), founded in 1961

2- available at: <https://www.oecd.org/>

3- Dumberry, P & Dumas A, "How to Incorporate Human Rights Obligations in Bilateral Investment Treaties?", International Institute for Sustainable Development, IISD, 2013, available at: <https://www.iisd.org/itn/2013/03/22/how-to-incorporate-human-rights-obligations-in-bilateral-investment-treaties/>

4- Accord on Fire and Building Safety in Bangladesh of May 2013 (Accord), available at: <https://bangladeshaccord.org/>

اقامه دعوی نمودند و دعوی که توسط دادگاه دائمی داوری^۱ اداره و توسط یک دیوان اختصاصی^۲ رسیدگی می‌شد، با شرایط مطلوب حل و فصل شدند. کشورها می‌توانند از طریق اصلاح معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری موجود و در راستای تضمین دسترسی قربانیان به داوری بین‌المللی جهت حل و فصل دعوی مربوط به نقض حقوق بشر در سرمایه‌گذاری و بهره‌مندی آنها از جبران خسارت مناسب، سرمایه‌گذاران را ملزم به تامین راهکارها و ابزارهای موثر جبران خسارت در صورت نقض حقوق بشر نموده و موفقیت حاصله بر طبق توافقنامه بنگلادش را در زمینه سرمایه‌گذاری نیز تجربه کنند.^۳

همانطور که در مباحث پیشین اشاره شد، دول طرف معاهدات سرمایه‌گذاری در مشروط نمودن رضایت به داوری اختلافات به رعایت شروط خاص، مختار هستند. بطوریکه دیوانی در این زمینه بیان می‌دارد: "واضح است که دولت‌ها قادرند به‌طور خاص و صریح دسترسی سرمایه‌گذاران به مکانیسم‌های حل اختلاف مورد توافق یا قابلیت برخورداری آنها از حمایت‌های معاهده را محدود سازند؛ چنین شروط متداولی الزام صریح سرمایه‌گذاران به مطابقت با قوانین داخلی دولت میزبان است." بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاریهایی مورد حمایت را آنهایی می‌دانند که "برطبق قانون" باشند. این بیان به نوعی "احاله" به قانون دولت میزبان است و بدین معناست که علاوه بر قانون حاکم بر داوری معاهده سرمایه‌گذاری که متشکل از خود معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری و اصول حقوق بین‌الملل است، قوانین دولت میزبان نیز بخشی از قوانین قابل اعمال توسط دیوانها خواهند بود. تاثیر عملی چنین رویکردی کاملا واضح و صریح است؛ چنانکه اگر یک سرمایه‌گذاری مطابق با قوانین دولت میزبان و از جمله قواعد حقوق بشری آن انجام نشود، از حمایت‌های موجود در معاهده دوجانبه برخوردار نخواهد شد. هدف اولیه رویکرد "برطبق قانون" جلوگیری از شمول حمایت معاهده دوجانبه نسبت به سرمایه‌گذاریهایی است که نباید مورد حمایت قرار گیرند، خصوصا به این دلیل که غیرقانونی هستند. در واقع دیوانهای بسیاری عقیده دارند که حمایت‌های ماهوی ناشی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری نباید شامل سرمایه‌گذاریهایی گردد که از قوانین داخلی دولت میزبان تخلف می‌کنند. دیوانها نیز در برخورد با دعوی مربوط به یک سرمایه‌گذاری که در مغایرت با شرط "برطبق قانون" معاهده مبنای آن انجام شده باشد، صلاحیت خود را محدود می‌نمایند. در

1- The Permanent Court of Arbitration (PCA)

2- Ad hoc tribunal

3- Gaffney, J, "Could BITs and BATs be combined to ensure access to human rights remedies?", Columbia FDI Perspectives, 2018

این خصوص لازم به ذکر است که بسیاری از دیوانهای داوری دعاوی دولت-سرمایه گذار تاکنون نیز تا حدودی برای تصمیم درمورد صلاحیت/پذیرش دعاوی، این موضوع را مدنظر داشته‌اند. اخیراً دیوانهای ایکسید نیز اظهار داشته‌اند که در صورت رفتارهای غیرقانونی سرمایه‌گذار همچون تدلیس، جعل، رشوه یا فساد صلاحیت نداشته و یا دعاوی چنین سرمایه‌گذارانی را مورد پذیرش قرار نخواهند داد. همچنین در فرض عدم حسن نیت سرمایه‌گذار نیز عملکرد وی را غیرقانونی محسوب نموده و سرمایه‌گذاری مزبور را مشمول حمایت‌های معاهده نمی‌دانند. ضمناً به عقیده این دیوانها عدم وجود شرط "برطبق قانون" در مفاد معاهده حاکی از این نیست که سرمایه‌گذار با وجود سرمایه‌گذاری غیرقانونی بتواند از حمایت‌های معاهده منتفع گردد. چنانکه در قضیه فونیکس^۱ دیوان اظهارداشت: "تعهد سرمایه‌گذاران به انجام سرمایه‌گذاری "برطبق قوانین" دولت میزبان حتی در صورت عدم ذکر صریح آن در معاهده دوجانبه مربوطه، امری بدیهی است.^۲ بنابراین دولتها در این مورد بایستی اولاً شمول چنین شرطی در معاهدات دوجانبه را در دستور کار خود قرار دهند و ثانیاً در صورت عدم شمول صریح، بر وجود ضمنی این شرط در معاهدات واقف باشند.

یکی دیگر از ضعف‌های معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری که دولتها در رفع آن نقش بسزایی دارند، اینست که محدودیت‌های نابجایی بر قدرت قانونگذاری دولتها اعمال می‌کنند. در واقع حمایت کافی از قدرت قانونگذاری دولتها یکی از عوامل مهم ابتکار عمل در مورد بازنگری حمایت‌های حقوقی سرمایه‌گذاران از طریق جایگزینی تدریجی موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری با قوانین داخلی دول میزبان یا بررسی و اصلاح مدل معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری است. برای مثال، بند ۳ ماده ۱۲ معاهده منعقد فیما بین ایتالیا و موزامبیک در سال ۱۹۹۸ بیان می‌دارد: هرگاه پس از آغاز سرمایه‌گذاری، تغییری در قوانین، مقررات، مصوبات و اقدامات مربوط به تدابیر اقتصادی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم حاکم بر فعالیت سرمایه‌گذاری باشند صورت پذیرد، به درخواست سرمایه‌گذار بایستی همان ترتیبی بر وی اعمال گردد که در زمان انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مقرر بوده‌است.^۳ معنای ماده مذکور کاملاً روشن است. در واقع برای سرمایه‌گذاران خارجی معافیت کامل از قوانین، مقررات، مصوبات و اقدامات مربوط به تدابیر اقتصادی متخذه

1- PHOENIX ACTION, LTD. Claimant v. THE CZECH REPUBLIC Respondent (ICSID Case No. ARB/06/5), Feb, 15, 2004

2- Dumberry, P & Dumas, A, "The Doctrine of "Clean Hands" and the Inadmissibility of Claims by Investors Breaching International Human Rights Law", TDM, 2013

3- Identical or similar clauses are contained in Italy's BITs with Angola, Armenia, Azerbaijan, Bosnia, Cameroon, Kazakhstan, Macedonia, Moldova, Tanzania, Uganda, and Uzbekistan.

توسط دولت میزبان را فراهم آورده است. از منظری دیگر، اعمال قدرت قانونگذاری دولت را تا جایی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم مضر به منافع سرمایه‌گذاران تحت پوشش باشد محدود و مسلوب می‌سازد و چنین بنظر می‌رسد که به خواست طرف سرمایه‌گذار در معاهده گنجانده شده باشد. شرط اخیر می‌تواند معادل معاهده‌ای شدیدترین حالت شروط ثبات باشد که به "شرط انجماد"^۱ معروف است. این شروط که معمولاً در قراردادهای دولتی ذکر می‌شوند، سرمایه‌گذاران را در قالب معافیت کلی یا جزیی از مقررات مصوب در طول قرارداد، در مقابل اقدامات یکطرفه آتی دولت‌ها مصون می‌دارد. اگرچه بتدریج نحوه نگارش شروط انجماد تغییراتی داشته و در تدوین آنها توجه بیشتری به حقوق و وظایف کشورهای میزبان در مورد حمایت از ارزشهای اجتماعی شده است، ولی همچنان این شروط مشکل‌ساز هستند. شروط مزبور مانع دولت‌ها در اتخاذ سیاستهای اقتصادی و اجتماعی بوده و حتی "تاثیر مایوس‌کننده‌ای"^۲ بر اقامه دعاوی نقض قرارداد خصوصاً در محضر دیوانهای داوری دارند.

دادگاه عالی اسرائیل در سال ۲۰۱۶، به دلیل وجود شروط انجمادی که سرمایه‌گذاران خارجی را از تغییر مقررات مالیاتی، محدودیتهای آنتی‌تراست و سهم صادرات برای مدت ده سال معاف می‌داشت، یک پروژه گاز طبیعی را ملغی نمود.^۳ این تصمیم به خوبی اهمیت عدم محدودسازی بی‌مورد قدرت قانونگذاری دول میزبان را خاطرنشان می‌کند. در حقیقت شروط انجماد می‌توانند معاهدات را به محصولات حقوقی خطرناکی تبدیل کنند و دولت‌ها باید در خنثی‌سازی آنها موضع صریح و قدرتمندی داشته باشند. دولت‌ها می‌بایست به هنگام انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی قابل اعمال بر معاهده را برای کشف چنین شروطی مطالعه نموده، تفاسیر و برداشتهای ناشی از شروط را به دقت ارزیابی کنند و در صورت مقتضی گامهایی در جهت حذف این شروط بردارند. این هدف بسادگی و از طریق تبادل نامه به طرف مقابل قرارداد مبنی بر اینکه "از زمان قبول پیشنهاد اصلاح از جانب طرف مقابل، شرط بی اثر خواهد شد" قابل حصول خواهد بود. گزینه دیگر در راستای هدف مزبور اینست که طرفین از هرگونه ابزار مجاز و ممکن بر طبق حقوق معاهدات از جمله انعقاد پروتکل که به دلیل ویژگی دوجانبه اکثر این معاهدات امری سهل الوصول است، استفاده نمایند.^۴

1- Freezing Clause

2- chilling effect

3-Kershner, I & Reed, S, 2016, available at:

<https://www.nytimes.com/2016/03/28/business/energy-environment/israeli-court-strikes-down-natural-gas-development-deal.html>

4- Gazzin, T, "Beware of freezing clauses in international investment agreements", 2017, available at: Columbia Center on Sustainable Investment

نتیجه گیری

چنانکه بحث شد، تحمیل تعهدات حقوق بشری بر سرمایه‌گذاران در نسل جدید معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری نوآوری مهمی است که انتظار شفافی در خصوص رفتار سرمایه‌گذاران ارائه می‌کند و در صورت لازم الاجرا شدن آنها، شمول این تعهدات موجب رفع دغدغه‌های مربوط به عدم تعادل تعهدات دول و سرمایه‌گذاران که در معاهدات قدیمی به چشم می‌خورد، خواهد شد.^۱ علاوه بر آن اشاره و ارجاع به معاهدات بین‌المللی حقوق بشری در این معاهدات، گامی موثر در جهت حمایت از حقوق بشر در گستره سرمایه‌گذاری دوجانبه خواهد بود. شرط حل اختلاف دولت-سرمایه‌گذار در معاهده نیز بایستی مشتمل بر مفادی باشد که روشن نماید چگونه تعهدات حقوق بشری به واقع قابل طرح و اجرا در محضر دیوانهای داوری خواهند بود. ضمناً همانطور که در مطالب مربوط به مذاکرات معاهده عنوان شد، صراحت بیان در انعقاد معاهدات از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و در مذاکرات معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری آتی می‌بایست عباراتی که مسئولیتهای سرمایه‌گذاران در قبال رعایت حقوق بشر را برمی‌شمارند، کاملاً صریح و شفاف بیان گردند. دولتهای سرمایه‌پذیر بایستی با انعقاد نسل جدید معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری که تعهدات حقوق بشری را بر شرکتها تحمیل می‌کنند، به صدمات ناشی از نقض حقوق مورد پذیرش بین‌المللی پاسخ‌دهند و به عنوان بخشی از این پاسخ می‌بایست سرمایه‌گذاران را ملزم به تبعیت از استانداردها و اصولی همچون اصل پاکدستی نمایند تا فرصتی در جهت ایجاد مسئولیت سرمایه‌گذاران در قبال حقوق بشر باشد. دولتها می‌بایست با اقدام به تغییر الگوی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری موانع موجود در مورد قدرت قانونگذاری خود در جهت حمایت از حقوق بشر را حذف و یا به حداقل رسانده و نیز به منظور انعکاس سیاست توسعه وسیعتر و پایدار بطور رسمی، که صلاحیت گسترده‌تری به موضوعات حقوق بشری در رسیدگی‌های داوری اختصاص دهد، چارچوب این معاهدات را مجدداً مهندسی نمایند و توجه داشته باشند که اعمال این اصلاحات نه تنها به زعم برخی بر تمایل به سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر منفی ندارد بلکه چنانکه مطالعات تجربی نشان داده‌اند اینگونه تغییرات در جهت افزایش کارایی فعالیتهای سرمایه‌گذاری ضروری بنظر می‌رسد. در حقیقت اولویت‌بخشیدن به حقوق بشر در معاهدات فی‌مابین لزوماً حاکی از ایجاد محیطی متعارض با منافع سرمایه‌گذار نیست. برعکس، شفافیت‌بخشیدن به رابطه بین سرمایه‌گذاری و حقوق بشر زمینه ایجاد یک محیط حقوقی پایدار را فراهم می‌سازد.

شایان ذکر است که قواعد و هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر در مقایسه با قواعد حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی، به‌طور قابل ملاحظه‌ای به جایگاه قواعد آمره ارتقاء یافته‌اند و بدین

1-Briercliffe, N & Owczarek, O, "Human-rights-based Claims by States and "New-Generation" International Investment Agreements", Allen & Overy, 2018

ترتیب بطور قطع می‌توانند تعهدات فراگیر و همه‌شمولی^۱ ایجاد نمایند که تمامی بازیگران حقوق بین‌الملل را دربرگیرند. در پایان باید توجه داشت که بیرون‌راندن هنجارهای حقوق بشر از قلمرو تجاری صرفنظر از ایجاد عدم اطمینان و ناپایداری در توسعه بین‌المللی، انسانیت و منزلت بشری را نیز خدشه‌دار می‌نماید. فلذا شمول روزافزون و افزایش قدرت الزام‌آوری تعهدات حقوق بشری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با توسل به راهکارها و شیوه‌های مختلف از جمله آنچه در این نوشتار مطرح گردید، نیازی ضروری در راستای ارتقاء جایگاه حقوق اساسی بشر و بالتبع شان بشری است که خصوصا مستلزم اراده صریح و عزم مصمم دولتها می‌باشد.^۲



1- Erga Omnes Obligations

2-GABISA, H, "The Fate of International Human Rights Norms in the Realm of Bilateral Investment Treaties (BITs): Has Humanity Become a Collateral Damage?", The International Lawyer, 2014

فهرست منابع

الف) فارسی

- ۱) فیروز مندهی، فراز، جایگاه تعهدات حقوق بین الملل بشر در معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۳۹۵، شماره ۵۱
- ۲) میری لواسانی، سمیه سادات، صادقی زیبازی، حاتم، حسن پور، فاطمه، تعهدات زیست محیطی سرمایه گذاران خارجی، دانش حقوق و مالیه، سال ۹۷، شماره ۳

ب) انگلیسی

- 1-Krajewski, M, "Ensuring the Primacy of human rights in trade and investment Policies", *CIDSE*, March 2017
- 2-Leinhardt, S, "Some Thoughts on Foreign Investors' Responsibilities to Respect Human Rights", *TDM* 1, 2013
- 3-Klein, N, "Human Rights and International Investment Law: Investment Protection as Human Right?," *Goettingen Journal of International Law*, 2012
- 4-Gaffney, J, "Could BITs and BATs be combined to ensure access to human rights remedies?," *Columbia FDI Perspectives*, 2018
- 5-Dumberry, P & Dumas-Aubin, G, "The Doctrine of "Clean Hands" and the Inadmissibility of Claims by Investors Breaching International Human Rights Law", *TDM*, 2013
- 6-Briercliffe, N & Owczarek, O, "Human-rights-based Claims by States and "New-Generation" International Investment Agreements", *Allen & Overy*, 2018
- 7-GABISA, H, "The Fate of International Human Rights Norms in the Realm of Bilateral Investment Treaties (BITs): Has Humanity Become a Collateral Damage?," *The International Lawyer*, 2014
- Cases**
- 8-PHOENIX ACTION, LTD. Claimant v. The Czech Republic Respondent (ICSID Case No. ARB/06/5), Feb, 15, 2004
- Documents**
- 10-The Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969
- 11-The General Agreement on Trade in Services (GATS), 1995
- 12-Universal Declaration of Human Rights (1948)
- 13-United Nations International Covenant on Civil and Political Rights (1966)
- 14-ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at

Work (1998)

15-United Nations Convention against Corruption (2003)

16-Rio Declaration on Environment and Development (1992)

Electronic Sources

17-Richard, C & Luke, E, “Human Rights in International Investment Law: Where to After Urbaser?”, available at: <https://humanrights.freshfields.com/post/102enaj/human-rights-in-international-investment-law-where-to-after-urbaser>

18-Yannick, R, “The 'Human Nature of International Investment Law”, TDM 1, 2013, available at: <https://www.transnational-dispute-management.com/article.asp?key=1928>

19-Kriebaum, U, “Aligning Human Rights and Investment Protection Foreign Investments & Human Rights - The Actors and Their Different Roles”, TDM, 2013, available at: <https://www.transnational-dispute-management.com/article.asp?key=1928>

20-Nelson, T, “Human Rights Law and BIT Protection: Areas of Convergence”, The Journal of World Investment & Trade, TDM 1, 2013, available at: <https://www.transnational-dispute-management.com/article.asp?key=1928>

21-Dumberry, P & Dumas Aubin, G, “How to Incorporate Human Rights Obligations in Bilateral Investment Treaties?”, International Institute for Sustainable Development, IISD, 2013, available at: <https://www.iisd.org/itn/2013/03/22/how-to-incorporate-human-rights-obligations-in-bilateral-investment-treaties/>

22-Gazzin, T, “Beware of freezing clauses in international investment agreements”, 2017, available at: Columbia Center on Sustainable Investment.